



دانشگاه قم  
دانشکده الهیات و معارف اسلامی

# پایان نامه دوره کارشناسی ارشد علوم قرآن و تفسیر

عنوان:

## فلسفه نسخ های قرآنی

استاد راهنما:

دکتر جعفر نکونام

استاد مشاور:

دکتر محمد کاظم شاکر

دانشجو:

یسری زبیدی

سال تحصیلی: ۱۳۹۰

## تشکر و قدردانی

سپاس خدایی را که قرآن را چراغ هدایت بشر قرار داد. سپاس از استادانی که از دانش آنان بهره‌مند شدم؛ به ویژه جناب آقای دکتر نکونام که صبورانه با راهنمایی‌های فراوانشان مرا در نگارش این پایان نامه یاری نمودند. همچنین تشکر می‌کنم از جناب آقای دکتر شاکر که لطف خود را از اینجانب دریغ نکرده و مرا از مشاوره‌های خود بهره‌مند ساختند.

همچنین تشکر می‌کنم از پدر و مادرم که مرا در این مسیر یاری نمودند و با حمایت‌های خود مرا در نگارش پایان نامه همراهی کردند.

## چکیده

این پژوهش درباره فلسفه نسخ های قرآنی است. نسخ های قرآنی اعم از نسخ هایی است که درون یک دین یا میان دو دین متفاوت رخ می دهد.

در این پژوهش ابتدا تعریف نسخ از دیدگاه های مختلف بررسی و به تعریفی از نسخ دست یافتیم. همچنین فلسفه نسخ سنت هایی را که باطل و مطابق شرایط عصر نبود، بررسی کردیم. علاوه بر این به بررسی فلسفه نسخ میان دینی و مقایسه آن با فلسفه نسخ درون دینی پرداخته شده است. از رهگذر این تحقیق روشن شد که فلسفه نسخ از بین بردن بدعت های نا به جا و مطابقت با تغییر شرایط و زمان و مکان است.

واژگان کلیدی: نسخ، فلسفه نسخ، نسخ درون دینی، نسخ میان دینی، نسخ بدعت ها، تغییر

شرایط

## فهرست مطالب

مقدمه	۶
فصل اول: کلیات	۸
۱. تبیین مسأله	۸
۱. ۲. سؤالات تحقیق	۹
۱. ۳. فرضیه های تحقیق	۹
۱. ۴. پیشینه تحقیق	۱۰
۱. ۵. تعریف مصطلحات	۱۱
۱. ۵. ۱. تعریف نسخ	۱۱
۱. ۵. ۲. احکام فطری و غیر فطری	۱۵
۱. ۵. ۳. احکام ثابت و متغیر	۱۵
۱. ۵. ۴. احکام اولیه و ثانویه	۱۷
۱. ۵. ۵. حکم اضطراری	۱۸
۱. ۵. ۶. احکام حکومتی	۱۹
۱. ۵. ۷. نسخ مشروط	۲۰
۱. ۵. ۸. نسخ تمهیدی	۲۲
۱. ۵. ۹. نسخ کلی و جزئی	۲۵
۱. ۵. ۱۰. نسخ درون دینی و میان دینی	۲۶
۱. ۶. فلسفه نسخ	۲۷
فصل دوم: فلسفه نسخ سنت های باطل	۲۹
۲. ۱. فلسفه تحریم خمر	۲۹
۲. ۲. فلسفه نسخ سنت نسیء	۳۳
۲. ۳. فلسفه نسخ قمار	۳۵

۳۷	۲. ۴. فلسفه نسخ محرومیت زنان و خردسالان از ارث
۳۹	۲. ۵. فلسفه نسخ حکمظهار
۴۱	۲. ۶. فلسفه نسخ ازدواج همزمان با دو خواهر
۴۳	۲. ۷. فلسفه نسخ تعدد طلاق
۴۴	۲. ۸. فلسفه نسخ حرمت ازدواج مجدد با همسر سابق
۴۶	۲. ۹. فلسفه نسخ به میراث بردن زنان
۴۸	۲. ۱۰. فلسفه نسخ سنت ایلاء
۴۹	۲. ۱۱. فلسفه تحریم زنا
۵۳	فصل سوم: فلسفه نسخ های ناسازگار با مقتضیات
۵۳	۳. ۱. فلسفه نسخ آیه نجوی
۵۶	۳. ۲. فلسفه نسخ آیات تغییر قبله
۶۰	۳. ۳. فلسفه نسخ آیات مدارا
۶۴	۳. ۴. فلسفه نسخ برده داری
۶۷	۳. ۵. فلسفه نسخ حکم قسامه
۶۹	۳. ۶. فلسفه نسخ عدد مقاتلین
۷۳	فصل چهارم: مقایسه نسخ میان دینی با فلسفه نسخ درون دینی
۷۳	۴. ۱. فلسفه نسخ میان دینی
۷۴	۴. ۲. تشابه فلسفه نسخ میان دینی و برون دینی در زمینه برچیدن سنت های باطل
	۴. ۳. تشابه فلسفه نسخ درون دینی و میاندینی در زمینه تغییر سنتها به علت تغییر مقتضیات
۸۱	
۸۶	نتیجه گیری
۸۶	فهرست منابع

## مقدمه

یکی از موضوعات مطرح در زمینه قرآن فلسفه نسخ های قرآنی است. سؤال اصلی مطرح در این تحقیق این است که به چه علت نسخ رخ می دهد؟

یکی از خصوصیات شریعت اسلام را می توان سهله و سمحه بودن آن دانست. دین اسلام با عقل و فطرت بشری مطابق است، عقل و فطرت مخالف سختی احکام است. تشریح احکام در اسلام نیز بر این اساس است. نسخ احکام یکی از راه هایی بوده که سبب سهله و سمحه بودن شریعت شده است و سختی های احکامی که مردم وضع کردند از میان برداشته است.

در سایر شرایع نیز هدف اصلی انبیاء بازگشت به فطرت و ایجاد تعقل در مردم بوده است، اما با انحرافات و بدعت هایی که بشر در شریعت خود ایجاد می کردند، دین از مسیر حقیقی خود منحرف می شد. بنابر این شریعت های جدید می آمدند و با نسخ بدعت ها و انحرافات دین را به مسیر اصلی خود بازگرداند.

همچنین نیازهای مردم طبق زمان و مکان متفاوت می شد. یکی از علل نسخ همین بود که حکمی در یک زمان مناسب و در زمانی دیگر غیر قابل عمل بود.

یکی از خصوصیات دیگر شریعت اسلام را می توان انعطاف پذیری احکام آن دانست. یکی از مصادیق انعطاف پذیری نسخ در احکام است که مطابق با شرایط زمان، مکان و تابع عقل و فطرت است و در صورتی که حکمی مخالف با این موارد باشد، آن حکم را می توان غیر قابل عمل دانست. با بررسی هایی که در این پژوهش صورت گرفت، روشن شد تغییر احکام و سنن از سوی قرآن به دو علت بوده است: یکی از میان برداشتن سنت های باطلی که در عصر جاهلی رواج یافته بود و مخالف عقل و فطرت انسان بود. فلسفه دیگر نسخ مطابقت احکام با شرایط و مقتضیات عصری بود.

بر این اساس پژوهش در چهار فصل نگارش شده است. در فصل اول به عنوان کلیات به بیان مسأله، پیشینه، سؤالات و فرضیات تحقیق پرداخته شده است. در ادامه فصل تعریف اصطلاحاتی را که مرتبط با موضوع است، آورده ایم. از جمله آن تعریف نسخ، انواع نسخ، رابطه احکام از جمله احکام حکومتی، احکام اولیه، ثانویه، ثابت و متغیر با نسخ است. در نهایت به بیان فلسفه نسخ پرداخته ایم. در فصل دوم بر اساس فلسفه های نسخ، ابتدا به بررسی فلسفه نسخ سنت های باطلی می پردازیم که در عصر جاهلی وجود داشت و توسط اسلام نسخ گردید. در این فصل روشن گردید که هدف اسلام از نسخ از میان برداشتن این سنت های باطل و بازگرداندن مردم به اصل فطرت خود بوده است.

با توجه به فلسفه دیگر نسخ فصل سوم را به بررسی مواردی پرداختیم که با شرایط و متضیبات عصر ناسازگار بودند و ضرورت تغییر آن ها وجود داشت.

همچنین به علت این که نسخ های قرآنی اعم از درون دینی و میان دینی است، در فصل چهارم به این موضوع پرداختیم. در ابتدا فلسفه نسخ میان دینی را بیان کردیم و سپس مقارنه ای میان فلسفه نسخ میان دینی و درون دینی انجام گردید. با بررسی نسخ میان دینی و درون دینی روشن می شود که تفاوتی میان فلسفه نسخ آن دو وجود ندارد و هر دو یکی است.

اگرچه در مطاوی کتب علوم قرآن و تفسیر و نیز کتب اصول فقه و فقه به طور گذرا از فلسفه نسخ به طور کلی یا نسخ های قرآنی سخن رفته است؛ اما هرگز به طور مفصّل و مستقل هیچ اثری به چشم نمی خورد.

بنابر این هدف از این پژوهش این بود که با مراجعه به کتب علوم قرآنی و اصول فقه و تفاسیر این مبحث به طور گسترده بررسی شود.

همچنین روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این پایان نامه، توصیفی، مقایسه ای، تفسیری و نقدی است.

### کلیات

آن چه در این فصل مورد بررسی قرار می گیرد، کلیاتی در مورد موضوع بحث، فلسفه نسخ های قرآنی است. موضوعاتی که بررسی می شود، عبارتست از: بیان مسأله، سؤالات تحقیق، فرضیه ها، پیشینه.

در ادامه به تعریف اصطلاحاتی می پردازیم که در موضوع فلسفه نسخ های قرآنی به ما کمک می کند.

#### ۱. تبیین مسأله

یکی از مسائلی که در حوزه علوم قرآنی مورد بحث قرار گرفته است، موضوع نسخ های قرآنی است. مسئله ای که در این تحقیق بررسی می شود، این است که این نسخ هایی قرآنی چه فلسفه هایی داشته اند. به عبارت دیگر احکامی که از رهگذر نسخ های قرآنی نسخ شده اند، نسخ آن ها چه علت هایی داشته اند؟

مراد از نسخ های قرآنی آن نسخ هایی است که با نزول آیات قرآن صورت گرفته و از رهگذر آن سنتی باطل و غیر قابل عمل خوانده شده است.

طبق فلسفه نسخ که مشهور است باید نسخ را مطلق تغییر احکامی بدانیم که بر اثر تغییر مصالح و مقتضیات ضرورت پیدا می کند.

بنابر این تعریف منتخب در این تحقیق مطلق تغییر حکم است، تا شامل هر تغییری باشد که پیامبر (ص) در سنن جاهلی پدید آوردند.



## ۲.۱. سؤالات تحقیق

سؤالات تحقیق به این قرار است:

**الف: سؤال اصلی**

فلسفه نسخ ها در آیات قرآن چه مواردی بوده است؟

**ب: سؤالات فرعی**

برای پاسخ به سؤال اصلی چند سؤال متناسب با آن به شرح زیر قابل طرح است:

۱. فلسفه های نسخ های قرآنی درون دینی کدام اند؟

۲. فلسفه های نسخ های قرآنی میان دینی کدام اند؟

۳. فلسفه های نسخ های میان دینی و درونی در قرآن چه شباهت هایی با هم دارند؟

## ۳.۱. فرضیه های تحقیق

در زمینه سؤالات تحقیق این فرضیه ها مورد تأیید قرار گرفته است:

**الف: فرضیه اصلی**

فلسفه نسخ های قرآنی، عبارت از از میان برداشتن سنت های باطل و تغییر یافتن شرایط و مقتضیاتی بوده است که در عصر نزول رخ می داده و احکام جدیدی را متناسب با شرایط و مقتضیات جدید ایجاد می کرده است.

**ب: فرضیات فرعی**

در پاسخ به سؤالات ذکر شده فرضیه های زیر قابل طرح است:

فلسفه های نسخ درون دینی عبارتند از این که یک حکمی می آید و سنت غلط و بدعت هایی را که مردم در دینشان ایجاد کرده اند، نسخ می کند. علاوه بر این مطابقت احکام با تغییر شرایط و مقتضیات زمان و مکان را نیز می توان از فلسفه نسخ های درون دینی دانست.

فلسفه های نسخ میان دینی عبارتست از: از میان برداشتن بدعت هایی که با مرور زمان در یک دین یا شریعت ایجاد می شود و توسط دین یا شریعت جدید نسخ می شود.

دیگر فلسفه نسخ میان دینی را می توان تطابق با مقتضیات زمان و مکان دانست. در یک دین ممکن است حکمی عمل شود و متناسب با آن زمان و شرایط و مصالح باشد؛ اما در دین و شریعت دیگر غیر قابل عمل گردد.

فلسفه نسخ درون دینی و میان دینی یکی است و تفاوتی میان آن‌ها وجود ندارد. فلسفه هر دو از میان برداشتن بدعت‌ها و سنت‌های غلط و مطابقت با تغییر شرایط و زمان می‌باشد.

#### ۱. ۴. پیشینه تحقیق

در کتب علوم قرآنی و تفسیر و همچنین کتب اصول فقه از فلسفه نسخ به طور کلی یا نسخ‌های قرآنی به طور گذرا سخن به میان آمده است؛ اما به طور مفصل و مستقل اثری در این موضوع وجود ندارد.

در دوره معاصر آیت الله معرفت نظرات جدیدی را در زمینه نسخ‌های قرآنی ارائه داده است، همانند نسخ مشروط، تدریجی و تمهیدی که در زمینه یافتن فلسفه نسخ‌های قرآن مورد استفاده قرار می‌گیرد.

همچنین تا کنون میان تعریف نسخ و فلسفه آن تطبیق داده نشده است. علاوه بر این در این پژوهش سعی بر این است با تجزیه و تحلیل عمقی و گسترده میان نسخ و تغییرات احکامی که به هر علتی اعم از اضطرار، تغییر موضوع، تغییر زمان و مکان و نظایر آن روی می‌دهد، مقارنه و مقایسه‌ای صورت گیرد.

از جمله مطالبی که در کتب علوم قرآنی در زمینه علت نسخ آمده مطالب زیر است. در زمینه فلسفه نسخ به طور گسترده در آثار پرداخته نشده و تنها اشاره‌ای به آن شده است: به طور نمونه در کتاب البرهان، زرکشی نسخ را برای تخفیف و رفع مشقت از مردم دانسته است. علت دیگری که ذکر کرده آزمایش ایمان مردم است، همانند آیه نجوا<sup>۱</sup>.

آیت الله خوئی نیز در کتاب البیان خود، شرایط و مقتضیات زمان را درباره احکام دخیل می‌داند<sup>۲</sup>. علامه طباطبایی نیز در تفسیر خود در اشاره به علت نسخ، احکام را تابع مصلحت و مفسده حکم می‌داند. همچنین شرایط زمان را یکی دیگر از علل نسخ ذکر کرده است و نسخ را به علت قوت مصلحت حکم دوم می‌داند<sup>۳</sup>.

آیت الله مکارم شیرازی نیز در تفسیر نمونه در بیان علت نسخ آورده است: نیازهای انسان گاه با تغییر زمان و شرائط محیط دگرگون می‌شود و گاه ثابت و برقرار است، یک روز برنامه‌ای ضامن

۱. الزرکشی، البرهان، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، (دار احیاءالکتب العربیه، ج ۱، ۱۳۷۶-۱۹۷۵م)، ج ۲، ص ۳۰

۲. ابوالقاسم خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، (بیروت: دارالزهراء للطباعة والنشر والتوزیع، ج ۴، ۱۳۹۵-۱۹۷۵م) ص ۲۷۹

۳. طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، (قم: منشورات جماعه المدرسین فی حوزه العلمیه، بی‌جا)، ج ۱، ص ۲۵۱

سعادت او است؛ ولی روز دیگر ممکن است بر اثر دگرگونی شرائط، همان برنامه سنگ راه او باشد.<sup>۱</sup> و علت نسخ را تغییر شرایط زمان می داند.

## ۱. ۵. تعریف مصطلحات

در این قسمت به تعریف اصطلاحاتی می پردازیم که در تبیین مسأله به ما کمک می کند.

### ۱. ۵. ۱. تعریف نسخ

در این جا به منظور روشن کردن مقصود از نسخ در این تحقیق، نخست تعریف نسخ در روایت و سپس تعریف نسخ نزد علمای اسلامی را به ترتیب تاریخی و به نحو مقایسه ای و انتقادی مرور می کنیم.

**الف: تعریف نسخ در روایت:** مفهوم نسخ از زمان پیامبر اکرم (ص) و صحابه ایشان و همچنین نزد اهل بیت علیهم السلام معنی گسترده ای داشته و به معنی مطلق تغییر بوده و بر اثر گذشت زمان تطور معنایی داشته و قیودی در تعریف آن به وجود آمده است. از مسعده بن صدقه نقل شده که از امام صادق (ع) درباره مفهوم نسخ پرسیدم؛ امام (ع) در پاسخ فرمودند: الناسخ الثابت المعمول به و المنسوخ ما كان يعمل به ثم جاء ما نسخه؛ ناسخ حکم ثابتی است که به آن عمل می گردد و منسوخ آن است که مورد عمل بوده، سپس نسخ گردیده است.<sup>۲</sup>

**ب: تعریف نسخ نزد علما:** از دیر باز علمای علم اصول، علوم قرآنی و مفسران، تعاریف مختلفی را از نسخ به دست داده اند. برای به دست آوردن تعریف صحیح و جامع از نسخ، ضروری می نماید به بررسی نظر متقدمان و متأخران و سیر تحول معنایی آن پردازیم.

برخی از علمای معاصر برآنند که ابن ادریس شافعی (م ۲۰۶) نخستین کسی است که مفهوم اصلی نسخ را دریافته و حدود آن را معین ساخته است؛ ولی به گفته مصطفی زید نویسنده معاصر مصری، چنین چیزی در رساله شافعی وجود ندارد.

در این رساله چنین آمده است که: نسخ یعنی فرض و تکلیف خود را ترک کرد و هیچ تکلیفی نسخ نمی شود مگر این که به جای آن تکلیف دیگری وضع شود؛ چنان که قبله بیت المقدس نسخ گردید و به جای آن کعبه قبله قرار گرفت و هر حکم منسوخی در قرآن و سنت چنین است. وی در

۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، (تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ۱۸، ۱۳۷۴ ش)، ج ۱، ص ۳۹

۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، (بیروت: موسسه الوفاء، دار احیاء التراث العربی، چ ۲، ۱۴۰۳-۱۹۸۳)، ج ۸۹، ص ۳۸۹

ادامه بیان می‌کند که عمل به آن تکلیف منسوخه در وقت خودش حق بوده و ترک آن نیز حق است.<sup>۱</sup>

کهن ترین کتابی که به دست ما رسیده، کتاب قتاده سدوسی (۱۱۷ق) است که تعریفی از این کتاب به دست نیامده است.

علمای اصول و مفسران متقدم تعریف نسخ را رفع حکم ثابت شرعی با دلیل شرعی متأخر دانسته اند و ثابت بودن حکم و شرعی بودن آن را جزء شروط به شمار آورده اند. این تعریف شامل احکام متغیر نمی شود. در نظر آیت الله خوئی یکی از مواردی را که خارج از نسخ دانسته است، این است که رفع حکم به سبب موضوعش از حیثه نسخ خارج شود؛ مثل ارتفاع وجوب روزه با انتهای ماه رمضان.<sup>۲</sup>

این تعریف احکام غیر شرعی را که سابقه شرعی ندارد و خود مردم آن را بدعت گذاشته اند، در بر نمی گیرد؛ اما به نظر می رسد، دلیلی ندارد که نسخ را تنها شامل احکام شرعی بدانیم. این تعریف جامع نیست و شامل هر تغییری که نقص یا نقیصه ای را در دین برطرف می کند، نمی گردد. این تعریف مواردی مثل نسخ تدریجی شراب و قمار را در بر نمی گیرد؛ چون حلیت شراب و قمار یک حکم شرعی نیست؛ بلکه یک سنت باطلی است که سابقه دینی نداشته است.

دلیلی که بر لزوم شرعی بودن حکم آورده اند آیاتی از قرآن است؛ از جمله «يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» و «لا حکم الا لله»، به موجب این آیات معتقدند خداست که شارع است و به اذن خدا پیامبر(ص) نیز در مقام تشریح قرار می گیرد. منتها آیه نخست ناظر به امور تکوینی است نه تشریحی. گواه آن سیاق آیه است. در سیاق آیه هرگز از احکام شرعی سخنی نیست. نهایت دلالتی که در آیه دوم است، این است که باید ناسخ خدا یا پیامبر (ص) باشد و هیچ دلالتی ندارد که منسوخ هم باید حکم شرعی باشد.

ثانیا نسخ ها و به عبارت دیگر تغییر حکم ها از سوی غیر نبی در مخالفت با حکم خدا نیست. بلکه در چارچوب حکم الهی است. هرگز سخن از این نیست که حکم الهی باطل است؛ بلکه سخن از این است که حکم الهی در شرایط خودش حق است و باید اجرا شود؛ اما در غیر شرایطش قابلیت اجرا ندارد برای مثال، این حکم الهی که اسب تهیه کنید، برای شرایط عصر نزول حق است؛ اما آن برای شرایط معاصر حق نیست و برداشتن آن مخالفت با حکم الهی ندارد.

۱. محمد بن ادریس شافعی، الرسالة، ( احمد محمد شاکر، دار الفکر، ۱۳۰۹هـ ) [بی جا، بی جا]، ص ۱۱۶.

۲. خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۷۶.

نکته دیگر آن که میان شرع و عقل و فطرت تفاوتی نیست. کما حکم به العقل حکم به الشرع. اگر عقل حکم کند که یک سنت و حکمی با مصالح کلی شرعی در تعارض قرار گرفته است یا اگر عقل حکم کند، که یک فعلی مفسدی دارد، آن احکام باید تغییر کند و احکامی که با احکام کلی شرع تعارض نداشته باشد و مفسدی را به همراه نداشته باشد، تشریح بشود.

شایان ذکر است وقتی نسخ را به تغییر حکم به منظور رفع نقص و نقصیه و ابطال سنن باطل و تأسیس سنن حق و رعایت مصالح مستحدث تعریف کنیم، افزودن قید ثابت زاید و بلکه مانع جامعیت تعریف نسخ می شود. به موجب آن تعریف نسخ شامل احکام موقت نمی شود، مثل این که تا حکم ثانوی به این حکم عمل کنید. حتی یأتی الله بأمره.

ابن جریر طبری (۳۱۰ق) نسخ را تحویل و تبدیل حکم شرعی از حلال به حرام و حرام به حلال و از مباح به مکروه تعریف کرده است. ابن کثیر و شوکانی نیز بر این تعریف بوده اند.<sup>۱</sup> این تعریف نیز جامع نیست و شامل مواردی که بدعت بشری است، نمی شود. البته هر بدعتی مذموم نیست. بدعتی که جای یک سنت جا افتاده دینی را بگیرد یا دین را سخت و طاقت فرسا بسازد و خلاصه خلاف عقل و شرع باشد.

به نظر می رسد که این تعریف با تعریف سابق تفاوتی ندارد و مضمون آن دو یکی می باشد؛ زیرا برداشتن یک حکم و آوردن حکم دیگر با تبدیل یک حکم به حکم دیگر اختلافی ندارد.

پس از طبری، جصاص (۳۷۰ق) نسخ را بیان اعتبار و انتهای حکم سابق به وسیله حکم لاحق تعریف کرده است.<sup>۲</sup> از تابعان این تعریف می توان از رازی<sup>۳</sup> (۶۰۶ق)، محقق حلی<sup>۴</sup> (۶۷۶ق)، بیضاوی<sup>۵</sup> (۶۸۲ق)، سیوطی<sup>۶</sup> (۹۱۱ق) نام برد. در این تعریف نیز همان مضمون تعاریف قبل به تعبیر دیگری آمده است. بالاخره یکی از عوض شدن حکم به رفع حکم قبلی و آمدن حکم جدید تعبیر

---

۱. ابن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، (بیروت: دارالمعرفه، بی جا، ۱۴۱۲ق)، ج ۱، ص ۳۷۸؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، (بیروت: دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون، بی جا، ۱۴۱۹ق)، ج ۱، ص ۲۵۹؛ محمد بن علی الشوکانی، فتح القدر، (عالم الکتب) [بی جا، بی جا، بی تا]، ج ۱، ص ۱۲۶

۲. جصاص، احکام القرآن، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵ق) [بی جا]، ج ۱، ص ۷۲

۳. الرازی، المحصول، (بیروت: مؤسسه الرساله، ج ۲، ۱۴۱۲ق) ج ۱، ص ۲۸۷

۴. المحقق الحلی، معارج الاصول، اعداد محمد حسین رضوی، (قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام للطباعة والنشر، ج ۱،

۱۴۰۳ق)، ص ۱۵۹

۵. بیضاوی عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق)، [بی جا]، ج ۱، ص ۹۹

۶. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق سعید بن مندوب، (لبنان، دارالفکر، ۱۴۱۶-۱۹۹۶م)، [بی جا]،

می کند و دیگری به تبدیل حکم قبلی به جدید و سومی به بیان اعتبار و انتهای حکم قبلی و شروع حکم جدید.

سید مرتضی (م. ۴۳۶ق) نسخ را تغییر یک حکم و آمدن حکمی به جای آن ذکر کرده، در تفسیر نمونه نیز این تعریف آمده است.<sup>۱</sup>

ابن جوزی (۵۹۷ق) برخلاف تعاریف سابق، برای نسخ، آمدن حکمی به جای حکم سابق را لازم ندانسته و آنرا رفع حکمی که تکلیفش برای بندگان ثابت بوده است، آورده چه به جای آن حکمی بیاید چه نیاید.<sup>۲</sup> به نظر می رسد، این تعریف دقیق تر است؛ گاهی نسخ صرف برداشتن حکم و سنتی است؛ بدون این که حکم و سنتی به جای آن بیاید؛ مثل نسخ شراب خواری.

آیت الله خوئی (۱۴۱۱ق) نسخ را رفع امر ثابت در شریعت مقدس، با پایان یافتن زمان آن می داند؛ چه این امر از احکام تکلیفی یا وضعی باشد، چه از مناصب الهی یا غیر آن، از اموری باشد که به خدا در جایگاه شارع باز می گردد.<sup>۳</sup> این تعریف اعم از معرف است. لاقلاً در آنچه ما منظور داریم، نسخ منصب الهی مورد نظر نیست. غرض ما از تعریف نسخ این است که تمام نسخ های قرآنی را شامل بشود. لذا می گوئیم، هر تغییری که از رهگذر قرآن در احکام و سنن عربی پدید آمد. منصب الهی جزو احکام و سنن عربی نیست.

آیت الله معرفت، نسخ را رفع تشریح سابق که برحسب ظاهر دوام دارد، با تشریح لاحق می داند؛ به گونه ای که قابل جمع نباشد. چه این تنافی ذاتی باشد یا تنافی بین آن ها روشن باشد.<sup>۴</sup> در این تعریف دوام حکم قید زاید است و احکام موقت را شامل نمی شود.

علامه طباطبایی نیز در زمینه نسخ آورده اند: نسخ در قرآن مجید بیان انتهای زمان اعتبار حکم منسوخ است؛ به این معنا که مصلحت جعل و وضع حکم اولی مصلحتی محدود و موقت باشد و طبعاً اثرش نیز که حکم است محدود و موقت در می آید و پس از چندی حکم دومی پیدا شده

---

۱. سید مرتضی، الذریعه، تحقیق ابوالقاسم گرجی، (تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۶ش)، ج ۱، ص ۴۱۳؛ مکارم شیرازی، ناصر،

تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۹۰

۲. ابن جوزی، نواسخ القرآن، (بیروت، دار الکتب العلمیة)، [بی جا، بی چا، بی تا]، ص ۲۰

۳. خوئی، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۷۷-۲۷۸

۴. محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، (قم: مؤسسه التمهید، ج ۱، ۱۳۸۲ش)، ج ۲، ص ۲۶۷

وخاتمه یافتن مدت اعتبار حکم اولی را اعلام می کند و نظر به این که قرآن مجید در بیست و سه سال تدریجا نازل شده اشمالش به چنین احکامی کاملاً قابل تصور است<sup>۱</sup>.

با توجه به تعاریف روشن شد که تعریف ناسخ و منسوخ در دوره های اخیر با تعریف متقدمان تطابقی ندارد و با گذشت زمان قیودی به تعریف متقدمان افزوده شده است.

می توان گفت که تعریف متقدمان نسبت به متأخران، دایره شمول گسترده تری دارد با گذشت زمان قیودی به تعریف متقدمان افزوده شده است. هر چه پیش می رویم دایره تعریف نسخ محدود می شود و مفهوم دیگری از نسخ به دست می آید؛ اما می توان گفت که اختلاف موجود در تعاریف از نوع اختلاف در تعبیر است، نه در اصل معنا و همه آن ها تقریباً یک مفهوم را از نسخ دریافته بودند.

با این همه به نظر می رسد تعریف جامعی که بتوان از نسخ به دست داد، همان تعریف عصر صحابه بوده که مطلق هر تغییری را نسخ می دانستند. تعریف جامعی که می توان از نسخ به دست آورد، این است که نسخ هر نوع تغییری است که در حکم سابق پیش می آید؛ اعم از این که این تغییر نسخ کلی باشد یا جزئی. نیز اعم از این که تغییر حکم بر اثر تغییر موضوع باشد یا تغییر شرایط و به وجود آمدن اضطرار و جز این ها.

### ۱. ۲. ۵. احکام فطری و غیر فطری

احکام شرعی را می توان به دو گروه تقسیم کرد: احکام فطری و غیر فطری. احکام فطری احکامی هستند که ثابت و غیر قابل تغییر است؛ همانند این که عدل خوب است. احکام غیر فطری احکامی است که متغیر و قابل تغییر است؛ مثل احکامی که مربوط به اجتماع می باشند. نسخ شامل احکام غیر فطری می شود و احکام فطری را در بر نمی گیرد.

### ۱. ۳. ۵. احکام ثابت و متغیر

تشریح احکام در اسلام همواره با توجه به نیازها و خصوصیات انسانی بوده و اسلام کمال توجه را به این نیازها داشته است. اندیشمندان اسلامی بر اساس نیازهای ثابت و متغیر هر انسان، احکام را به دو قسم ثابت و متغیر تقسیم کرده اند.

---

۱. سید محمد حسین طباطبایی، قرآن در اسلام، به کوشش سید هادی خرمشاهی، (قم: بوستان کتاب، چ ۲، ۱۳۸۷ش)،

احکام ثابت، احکامی است که با توجه به فطرت آدمی وضع شده، اعم از شهری، بیابانی، سفید، سیاه، قوی و ضعیف که در هر منطقه و هر زمانی زندگی می کند.<sup>۱</sup> احکام ثابت را می توان به دو قسم فطری و قراردادی تقسیم کرد. احکام فطری عبارت از همان احکامی است که از حسن و قبح عقلی سرچشمه می گیرد؛ مثل عدالت ورزیدن، احسان کردن، راست گفتن و مانند آن. پرستش کردن هم فطری به شمار می رود. احکام فطری برای هرکسی از هر دین و مذهبی قابل تشخیص است.

احکام قراردادی، آنهایی است که فقط اهل قرارداد به آن آشنایند و دیگران آشنا نیستند. مثل نماز خواندن به شکل خاص که از قومی به قوم دیگر فرق می کند. یهودی به گونه ای و مسلمان به گونه ای دیگر نماز می خواند. البته تنها آن دسته از احکام قراردادی ثابت می ماند که با مقضیات و شرایط عصری تراحم پیدا نکند و قابلیت اجرایش پیوسته برقرار باشد.

آن قسم از احکام ثابت که فطری هستند، پاسخگوی نیازهای فطری ثابتی است که در انسان وجود دارد؛ مانند نیاز به عبادات، آزادی، امنیت و نفی تبعیض که این گونه احکام ابدی و همیشگی است. مسائل اخلاقی که از اصول فطری و غرائز ثابت انسانی مایه می گیرد، نیز جزء این احکام است مانند دروغ، خیانت، بی بند و باری که همواره زشت و تباه کننده اجتماع بوده است و تحریم و ممنوعیت آن ها ابدی و دائمی است.

در قرآن نیز به برخی از احکام ثابت فطری اشاره شده است؛ از جمله وفای به عهد که در آن در قرآن آمده است: « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ .. » ؛ ای کسانی که ایمان آوردید به قراردادها و تعهدات وفا کنید<sup>۲</sup>. همچنین تعاون بر بر و تقوی و عدم تعاون بر گناه که در این مورد آمده است: «... تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ؛ یکدیگر را در کار نیک و در تقوا یاری کنید، و در گناه و دشمنی به یکدیگر کمک مکنید » آمده است.

انسان به علت این که علاوه بر غرائز ثابت و لایتغیر، دارای شرایط زمانی و مکانی است که با دگرگونی آن وضع او تغییر می کند؛ علاوه بر احکام ثابت به قوانین قابل تغییر و تبدیل، مناسب با شرایط زمانی و مکانی و تحول آن ها نیازمند است. احکام متغیر احکامی هستند که این رسالت را به عهده دارد و بنا به اقتضای مصلحت و شرایط زمانی و مکانی تغییر می کند؛ مانند شیوه و چگونگی

---

۱. همو، بررسی های اسلامی، به کوشش سید هادی خرمشاهی، (قم: بوستان کتاب، چ ۲، ۱۳۸۷ش)، ص ۸۲

۲. مائده/۱

۳. مائده /۲



تعزیرات که شارع بنا بر مصلحت به صورت قطعی آن‌ها را مشخص نکرده و قائل به دگرگونی آن می‌باشد.

قوانین متغیر معمولاً در مسائل اجتماعی بروز پیدا می‌کند و نسبت به زمان و مکان‌های مختلف متفاوت است. از این‌گونه احکام می‌توان خرید و فروش خون را که در عصر حاضر فقها فروش آن را حلال کرده‌اند نام برد.<sup>۱</sup>

با توجه به این‌که احکام متغیر، احکام سابق بر خود را طبق شرایط زمان و مکان تغییر می‌دهد و باعث وضع قوانین و احکام جدید می‌گردد، می‌توان آن را به عنوان یکی از احکامی که تحت حکم نسخ قرار می‌گیرد دانست. آن‌چه که در دوره معاصر از احکام متغیر خوانده می‌شود، با نسخ‌های قرآنی سنخیت دارد.

#### ۱. ۵. ۴. احکام اولیه و ثانویه

از جمله احکامی که در اسلام با توجه به نیازهای انسان تشریح شده، احکام ثابت است که بر اساس نیازهای ثابت انسان و مشخصات ویژه او استوار است و بیشتر در جنبه عبادات و مسائل شخصی به کار می‌رود. فقها این احکام را به دو قسم تقسیم کرده‌اند: احکام اولیه و احکام ثانویه. احکام ثابت شامل احکام فطری و قراردادی نیز می‌شوند که احکام اولیه مقوله‌ای اعم از احکام ثابت و قراردادی می‌باشد.

احکام اولیه، مجموعه‌ای از احکام است که بدون در نظر گرفتن عوارض و عناوین ثانویه، وضع می‌گردد و شارع اسلام، بر مبنای صلاح و فساد موجود در موضوع یا متعلق آن حکم نموده است تا سعادت انسان‌ها را در دنیا و آخرت تامین کند؛ مانند وجوب نماز و روزه.<sup>۲</sup>

قسمتی دیگر از احکام ثابت، احکام ثانویه است که بر اثر ایجاد شرایط اضطرار، اکراه، عسر و حرج و دیگر عنوان‌های عارضی حکم جاری می‌شود و باعث تغییر حکم در احکام اولیه می‌گردد؛ مانند جواز افطار در ماه رمضان در مورد کسی که برایش ضرر دارد یا موجب حرج است.<sup>۳</sup>

احکام ثانویه دارای عناوین و موضوعاتی عام است، اما نه به گونه مطلق، بلکه همراه با تقیید و توصیف به چیزی است. عناوین ثانویه سبب دگرگونی در ملاکات احکام اولیه و در نتیجه موجب

---

۱. همان، ص ۸۴

۲. دکتر علی اکبر کلاتری، حکم ثانوی در تشریح اسلامی، (قم: بوستان کتاب، ج ۲، ۱۳۸۸ش)، ص ۳۳ و ۳۴؛ الشیخ علی

المشکینی، اصطلاحات الاصول، (قم: نشر هادی، ۱۳۷۱ش-۱۴۱۳ق)، ص ۱۲۰

۳. همان، ص ۳۳؛ همان، ص ۱۲۴

تغییر آن احکام می باشد. از جمله عناوین ثانویه اضطرار، عسر و حرج، اکراه، ضرر، مصلحت نظام، تقیه می باشد که در قرآن نیز به برخی از آن ها اشاره شده است.

براساس تعریفی که از نسخ به معنای مطلق تغییر داشتیم و همچنین تعریفی که از احکام ثانویه به معنای تغییر در حکم اولیه در شرایط خاص ارائه گردید، می توان احکام ثانویه را از جمله مواردی دانست که مشمول حکم نسخ قرار می گیرد.

### ۱. ۵. ۵. حکم اضطراری

یکی از قواعدی که در استنباط احکام فقهی به کار می رود و می توان آن را از جمله مواردی دانست که تحت حکم نسخ قرار می گیرد، قاعده «کل حرام مضطر الیه فهو حلال» است که به قاعده اضطرار شهرت دارد. این قاعده با برخی از قواعد، از جمله قاعده «الضرورات تبيح المحذورات» اشتراک دارد.

در قرآن نیز آیاتی به همین مضمون آمده است که می توان به آیات زیر اشاره کرد:

«إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لغيرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ خداوند تنها از میان خوردنی‌ها مردار و خون و گوشت خوک و گوشت حیوانی که برای غیر خدا ذبح شده حرام کرده است و در اینها هم اگر کسی ناچار بخوردن شود در صورتی که خودش خود را ناچار نکرده باشد و نیز در صورتی که در خوردن از حد اضطرار تجاوز نکند گناهی بر او نیست که خدا غفور و رحیم است»<sup>۱</sup>.

«وَ مَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ قَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرُّرْتُمْ إِلَيْهِ وَ إِن كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ؛ و چرا از آنچه اسم خدا بر آن برده شده نمی‌خورید و حال آنکه خدا آنچه را که به شما حرام کرده برایتان شرح داده جز آنچه بدان ناچار شده‌اید، و خیلی‌ها به هوس‌های خویش بدون علم گمراه می‌شوند که خدای تو تجاوزکاران را بهتر می‌شناسد»<sup>۲</sup>.

این آیات به صراحت دلالت می کند که در صورت اضطرار، حرام ها حلال است. در تعریف اضطرار بیان کرده اند که اضطرار، هر کاری است که شخص مبتلا به آن نتواند از آن خودداری کند؛

۱. بقره / ۱۷۳

۲. انعام / ۱۱۹

مانند گرسنگی که برای انسان پیش می آید و برای شخص ممکن نیست که از آن امتناع کند.<sup>۱</sup> تعاریف دیگری که برای اضطرار ذکر کرده اند، این است که چیزی است که صبر بر آن ممکن نیست و مضطر نیز کسی است که به چیزی مامور شده و بر آن مجبور است.<sup>۲</sup> بنابر این حکم اضطراری، حکمی است که بر اثر تغییر شرایط مکلف تغییر یافته و به جهت حدوث شرایط اضطراری به وجود آمده است.

همان طور که بیان شد احکام ثانویه بر اثر عوامل چندی به وجود می آید و یکی از آنها اضطرار و عسر و حرج است و این همان سخنی است که در احکام اضطراری بیان گردید. به موجب این بیان احکام اضطراری یکی از انواع احکام ثانویه است.

در تعریف نسخ بیان شد که نسخ مطلق هر تغییری است که در احکام یا سنت ها رخ می دهد و با توجه به تعریف حکم اضطراری، این حکم یکی از مصادیق احکام نسخ به شمار می رود، چون بیانگر تغییر است که در حکم به وجود می آید.

#### ۱.۵.۶. احکام حکومتی

یکی از عناصری که در تشریح قوانین اسلام تا کنون نقش به سزایی داشته است، عنصر مصلحت و مقتضیات زمان و مکان بوده است. از جمله احکامی که با توجه به این عنصر وضع می شود و با تغییر آن تغییر می کند، احکام حکومتی است.

در تعریف احکام حکومتی آمده آن تصمیماتی است که حاکم در قوانین شریعت و با رعایت موافقت آن ها به مصلحت وقت اتخاذ و طبق آن ها مقرراتی وضع می کند و به موقع به اجرا در می آورد. احکام حکومتی را حاکم اسلامی با بررسی مصلحت عمومی مسلمین وضع می کند، تا سلامت جامعه و روابط صحیح بین نهادهای جامعه تنظیم شود. احکام حکومتی به علت تغییر شرایط زمان و مکان و مصالح موجود در جامعه حکمی دائم نیست؛ بلکه موقت و قابل تغییر است و مجوز صدور آن، وجود مصالح و مفاسد متغیر اجتماعی است که با منقضی شدن مصلحت، آن حکم نیز منقضی می شود.<sup>۳</sup>

۱. فضل بن حسن، طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (تهران: ناصر خسرو، بی جا، ۱۳۷۲ش)، ج ۱ ص ۴۶۶

۲. ابن العربی، احکام القرآن، [بی نا، بی جا، بی جا، بی تا]، ج ۱، ص ۵۵

۳. طباطبایی، بررسی های اسلامی، ص ۱۶۳ و ۱۶۴؛ مجموعه آثار کنگره بررسی مبانی فقهی حضرت امام خمینی، ج ۷، ص

از جمله نمونه های احکام حکومتی می توان از انعقاد پیمان نامه صلح حدیبیه از سوی پیامبر اسلام (ص) با مشرکان مکه در سال ششم هجری که به موجب آن به مدت ده سال، جنگی میان مسلمانان و مشرکان انجام نگیرد و در این سال مسلمانان نباید به مکه داخل شوند، اما در سال آینده، همین موقع، مردم شهر سه رز از مکه بیرون روند و شهر را برای مسلمانان خالی خواهد گذاشت، تا زیارت کنند.<sup>۱</sup>

به نظر می رسد که حکم حکومتی، شامل احکام اولیه و ثانویه است و هر دو را در بر می گیرد. حکم حکومتی یا دستور به اجرای احکام اولی است؛ مانند حکم به اجرای حدود و پرداخت زکات و یا دستور به اجرای احکام ثانویه است؛ مانند تحریم تنباکو توسط میرزای شیرازی یا تحریم حج به دستور امام خمینی که به خاطر حفظ مصلحت اسلام وضع گردید.<sup>۲</sup>

مقرراتی که توسط حاکم وضع می گردد، مانند شریعت دارای اعتبار و لازم الاجرا هستند. از دیگر نمونه های احکام حکومتی، می توان به این موارد اشاره کرد: عزل و نصب های کارگزاران توسط حضرت علی (ع) یا احکامی که تحت عنوان تعزیر از امام علی (ع) رسیده و همچنین منع خوردن برخی از گوشت های حلال که به جهت پاره ای از ملاحظات و مصالح بهداشتی منع شده است.

با بررسی حکم حکومتی و با توجه به این که این حکم طبق مقتضیات زمان و مکان و مصالح جامعه تغییر می کند و حکمی دیگر جای آن را می گیرد و تعریفی که از نسخ ارائه دادیم، میتوان احکام حکومتی را از مواردی دانست که مشمول حکم نسخ قرار می گیرد.

#### ۱.۵.۷. نسخ مشروط

یکی از انواع نسخ از دیدگاه آیت الله معرفت، نسخ مشروط می باشد. نسخ مشروط، نسخی است که در آن با تغییر شرایط زمان و مکان و ایجاب مصلحت، حکمی مناسب با شرایط وضع و حکم سابق نسخ می گردد؛ اما در صورتی که شرایط در زمان یا مکان دیگر به حالت اولیه بازگشت، حکم سابق قابل عمل می گردد. نسخ مشروط، مطلق نبوده و تابع شرایط و مقتضیات می باشد.<sup>۳</sup>

از نمونه های نسخ مشروط در صدر اسلام، آیات وجوب صفح و مدارا با دشمنان است که در ابتدا آیه نازل گردید «فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ پس فعلا آنان

۱. دکتر علی اکبر کلاتری، حکم ثانوی در تشریح اسلامی، ص ۱۱۱

۲. همان، ص ۱۱۳

۳. محمد هادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۸۵